

# تاریخ جغرافی

## در دوره اسلامی

گرفتاریهای زیاد مدتی ما را از نوشتن مقالهٔ تاریخ جغرافی بازداشت اینک که فرصتی بدست آورده برای اینکه مطلب ناقص نماند به اتمام آن می پردازیم :

همینکه مسلمین از فتوحات خویش فراغتی حاصل نمودند متوجه اخذ تمدن و اکتساب علم و دانش گردیده و بدستیاری و مساعدت دانشمندان ملل مختلفه که در زیر لوای اسلام گرد آمده بودند بنقل و ترجمه کتب بپردازتند و مخصوصاً این میل و رغبت در عهد منصور عباسی رو بفرزونی گذارد و در عصر هارون و مأمون بسرحد کمال رسید و در این مدت کتب زیادی از فارسی پهلوی و عبری و سریانی و یونانی بعربی ترجمه نمودند و از جمله علوهی که توجه مسلمین را جلب نمود علم جغرافی بود. ما برای اینکه توجه اجداد خویش را باین علم از زبان یک بیگانه برسانیم، خلاصه عبارتی که لاروس در دائرة المعارف خویش در این باب مینویسد از دائرة المعارف فرید و جدی نقل و ترجمه مینمائیم :

« اگر انسان بخواهد که در قرن ۱۱ ( میلادی ) عجائب علم جغرافی را بفهمد نباید آنرا در اروپا که در آنوقت مهد بربریت بود تجسس نماید، بلکه باید آنرا از میان مسلمین (۱) بخواهد، خلفاء عرب هر قدر که در فتوحات خویش پیشرفت مینمودند، اشخاص را مأمور میساختند که نقشهٔ ممالک مفتوحه آنها را ترسیم نماید، تا جائیکه مأمون در ۸۳۳ میلادی عدهٔ از علماء را مأمور نمود که درجات طول و عرض را تعیین نمایند. و آن عبارت است از درجه میان رقه و بالمیر بواسطه این قیاس موفق بتجدیده سافت زمین گردید: میگویند اشخاصی از اشبونه؟ برای تفحص قارهٔ جدیدی سوار

(۱) اروپائیها تمدن اسلامی را تمدن عرب گویند و لاروس هم بجای کلمه مسلمین عرب استعمال کرده ولی چون بانی تمدن ملل غیر عرب خاصه ایرانیان بوده اند ما کلمه عرب را بمسلمین تبدیل مینمائیم

کشتی شدند ولی دلیلی برای اثبات این مدعا موجود نیست. چیزی که تأسف آور است این است که از این نهضت بزرگ علمی بیش از اطلاعات کمی بما نرسیده، و کتاب هائی که در آن عهد در علم جغرافی تألیف شده اغلب متفرق و قطعه قطعه بدست ما افتاده است.

ما تا اینجا قسمی از خلاصه گفته های لاروس نقل نمودیم و اینک باصل موضوع و شرح حال جغرافی نویس های اسلامی و کتب آنها و علت پیدایش علم جغرافی در میان مسلمین پردازیم:

مسلمین مثل روم بواسطه جهان گیری و فتوحات بعلم جغرافی محتاج بودند و شاید باین واسطه بیش از بسیاری از علوم دیگر باین علم توجه نمودند، علاوه بر آن مسافرت بمکه برای اداء فریضه حج از اکناف ممالک اسلامی و نماز گذاردن رو بقبله نیز آنها را محتاج بفراتر رفتن علم هیئت و جغرافی نمود. طلب علم که نیز در اسلام از فروع کفایت است، اشخاصی را مجبور بمسافرت میکرد و لذا محتاج به دانستن مقداری از جغرافی از قبیل طرق و مسالک بودند و برای همین است که کتب اولیه ابن فن از وصف طرق و معابر و بار اندازها و مسافت بین این منزل و منزل دیگر و مواقع آب و تغییر قبله هر محل تجاوز نمی نماید. و چنین بنظر میرسد که این قبیل کتب قبل از اطلاع بر کتب یونانیها خود مسلمین بحکم ضرورت ابتکار نموده اند. اما کتبی که بعد از اطلاع بر کتب متقدمین تألیف شده رویهمرفته جامع شرایط کتب ابن فن است

و اگر ما نبودن وسائل و زحمت مسافرت در آن زمانها در نظر گرفته و با اوضاع این زمان مقایسه نمایم و از بعضی حکایات خرافاتی که احياناً وارد آن کتابها شده صرف نظر کنیم میتوانیم بگوئیم کتابهائی که از آن وقت بما رسیده خیلی نفیس و ذقیمت و جامع است و فقط عیبی که بنظر میرسد این است که بذکر ممالک اسلامی اکتفا نموده اند. و اگر گاهی اسمی از اقوام و شعوب دیگر برده اند چندان قابل اعتماد نیست. آنها هم اگر احوال آن زمان و تعصب های مذهبی و عدم آزادی سیاحت در ممالک مخالف و ندانستن زبان بنظر آوریم چندان آنها را مقصر نمیدانیم. خود ابو النداء هم این نقص را احساس

کرده و در مقدمه کتاب خود در این باب چنین گوید .

« من در این مختصر چیز هائیکه در کتب دیگران متفرق بوده جمع آوری نمودم و مدعی نیستم که تمام ممالک یا اغلب آنرا ذکر نموده ام ، چه کتب این فن جز قسمت قلیلی را حاوی نیست . مثلا چین با آن عظمت و بزرگی و با آن شهر های زیادی که دارد جز اطلاعات کمی از آن بما نرسیده و آن که رسیده نیز از روی تحقیق نیست

« همینطور اخبار هندوستان خیلی مشوش و در هم بما رسیده است ممالک بلغار و چرکس و روس و سرب و اولقا ( افلاخ ) و ممالک فرنگستان از خلیج قسطنطنیه تا محیط غربی که شامل ممالک بسیار وسیعی است جز اخبار قلیلی از آن بمانداده اند ، کذالك از ممالک سودان در جنوب که شامل ممالک و شعوب بسیاری است ، از قبیل حبشه . زنج . نوبان . تکرور زیلع و غیر هم اطلاع جزئی داریم ، غالب کتب مسالك و ممالک فقط در ممالک اسلامی تحقیقات کرده اند هم ذلك همه را اسم نبرده اند :

با این حال وقتی که از روی انصاف و بی طرفی نظر کنیم می بینیم که مسلمین در کتب جغرافی خویش سبک بسیار مستحسن و نفیسی اتخاذ نموده اند و فوائد بسیار مفیدی در آن جمع آوری کرده اند ، صحیح است که از حیث تنسیق علمی و استقراء بیابانه کتب محققین امروزی نرسیده اند ، والبته ناموس تکامل هم اینطور حکم مینماید که نباید برسند ولی همین قدر در شأن آنها بس که با نداشتن وسائل مدتها دنیا را بفروغ علم خویش منور ساخته و برای بعد از خویش شالوده و اساس صحیحی ریخته اند .

از جمله کتبی که فقط راهها و کوهها و معابر و بعضی چیزهای دیگر که فقط مسافرین و چادر نشینان را بکار آید متعرض شده رساله ایست که نفر بصری در نیمه قرن هشتم میلادی در خراسان تألیف نمود . و فعلا نسخه خطی آن در بعضی از کتابخانه های اروپا موجود است . غیر از آن نیز بعضی کتب دیگر بهمین نحو تألیف شده و برخی هم مختص نقاطی است که در اشعار عرب ذکر می از آن آمده ولی چون کاملا به بحث ما مربوط نیست از ذکر آنها صرف نظر مینمائیم .

ظاهراً اولین کتابی که بطریقه علمی در جغرافی تألیف شده کتاب صورالاقالیم تألیف ابوزید احمد بن سهل بلخی است که در ۸۸۰ مسیحی آنرا تألیف نموده و ممالک اسلامی را به بیست قسمت تقسیم کرده است ولی بعد از آن خود مؤلف آنرا مختصر نموده و بسیاری از شهرها را حذف کرده است. بعد از او ابو اسحق ابراهیم بن محمد اصطخری که در نیمه اول قرن دهم مسیحی در شهر اصطخر فارس متولد شده کتابی بنام مسالك الممالک به تقلید کتاب ابوزید بلخی تألیف نموده اصطخری نیز مثل ابوزید بلخی ممالک اسلامی را به بیست قسمت تقسیم کرده ابتداء از جزیره العرب شروع نموده و در ماوراءالنهر خاتمه میدهد. و هر قسمت را علیحده شرح داده چنانکه کوهها و طرق و شوارع و صنعت و تجارت هر نقطه را متعرض شده، ولی از خواص اقالیم و عادات اهالی اسمی نبرده است.

کتاب مزبور در سال ۱۸۷۰ مسیحی در شهر لیدن از مملکت هلند بطبع رسیده و يك نسخه از آن در کتابخانه مجلس شورای ملی که بسیاری از این قبیل کتابهای نفیس جلب و وارد کرده موجود است (۱) اصطخری علاوه بر مسالك الممالک کتاب دیگری بنام کتابالاقالیم تألیف نموده. این کتاب حدود ممالک و نقشه‌های اقالیم و دریاها و رودخانه‌ها و مسافتهای بین ممالک و شهرها را مفصلاً ذکر کرده. ابتداء از جزیره العرب و خلیج فارس شروع مینماید سپس بذکر خوزستان و فارس و کرمان و آذربایجان و ارمنستان و سند و جبال و طبرستان و دریای خزر و خراسان و سیستان و افغانستان و ماوراءالنهر میپردازد و در هر قسمت شهرها و رودخانه‌ها و مسافت بین هر شهر و غیره ذکر میکند انگاه اندلس و مغرب و مصر و شام را بهمین ترتیب شرح میدهد و برای هر مملکت يك نقشه که آنرا « صور » مینامد تهیه کرده است جمله نقشه‌های کتاب مزبور بالغ بر ۱۹ نقشه است

این کتاب در سال ۱۸۳۹ مسیحی در شهر ( غوطا ) بهمت و توجه دکتر مولر آلمانی با نقشه‌های ملون مثل اصل در مطبعه سنگی چاپ شده است. ( بقیه دارد )

(۱) وفات اصطخری در سال ۳۶۰ هجری مطابق ۹۶۸ میلادی بوده است